

جان‌شوا تیتل باوم*

علی رستمی*

چکیده

بررسی تلاش‌های دو جانبه دولت عربستان سعودی و مخالفان آن برای استفاده از اینترنت دستمایه مقاله حاضر قرار گرفته است. بر این اساس، دولت عربستان در پی آن است که از اینترنت برای مدرن سازی و کار بردهای تجاری استفاده کند، در عین حال می‌کوشد که تعادلی میان مزایای اقتصادی ناشی از انقلاب اطلاعات و اسلام محافظه کار ایجاد نماید. در مقابل، مخالفان دولت در خارج از کشور نیز می‌خواهند از آن برای موضع گیری و ارسال پیام‌های خود بهره برداری کنند. از این رو، دولت به دنبال فیلتر گذاری منزلگاهها (سایتها) بی است که نامناسب ارزیابی می‌شوند. به نظر نویسنده، به رغم تلاش دولت عربستان برای ایجاد تمرکز و کنترل، ماهیت اینترنت به گونه ای است که نمی‌توان از کنترل مطلق سخن گفت.

کلید واژه‌ها: اینترنت، انقلاب اطلاعات، رسانه‌های جمعی، سلطه فرهنگی، اسلام محافظه کار

* پژوهشگر ارشد مرکز موشه دایان برای مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا (دانشگاه تل آویو)

Joshua Teitelbaum, "Dueling for Da'wa: State vs. Society on the Saudi Internet," *Middle East Journal*, Vol. 56, No. 2, Spring 2002, pp. 222-239.

* * مترجم و مدیر اجرایی فصلنامه مطالعات خاورمیانه

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال یازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳، صص ۱۵۲-۱۳۳.

کشور مدرن سعودی از بدو بنیان گذاری برای ایجاد تمرکز و تحت فرمان درآوردن جامعه سنتی، قبیله ای و غیرمتمرکز خود تحت لوای تسلط فرهنگی، ایدئولوژیک و مذهبی تلاش کرده است. در طول سالها گروههای اجتماعی مختلفی با سیاستهای تمرکز گرای دولت به چالش برخاسته اند؛ به عنوان مثال، دولت در سال ۱۹۳۰ با گروه نظامی - قبیله ای اخوان مقابله کرد و آن را سرکوب نمود، و در دهه ۱۹۷۰ و اواسط دهه ۱۹۹۰ نیز با جنبشهای رادیکال اسلامی درگیر شد. هر دو گروه تلاش کردند تا با انحصار خانواده سلطنتی سعودی بر اسلام و دولت مقابله کنند. در این سالها آل سعود به شکل گسترده ای در فرایند متمرکز سازی موفق بوده است. با وجود این، در چند سال گذشته چالش جدیدی در قالب اینترنت سر برآورده است؛ یعنی یک نیروی غیرمتمرکز ساز. با این حال، به نظر می رسد که سعودی ها خود را برای این آزمون نیز به خوبی آماده ساخته اند.

در ظاهر اینترنت امکانات اعجاب آوری برای تجارت، آموزش فرهنگ و افزایش عمومی جریان اطلاعات در امتداد مرزها فراهم می سازد، اما این گونه می نماید که بهره گیری از آن نیازمند وجود یک جامعه باز است. به نظر توماس فریدمن، نویسنده نیویورک تایمز، آن دسته از کشورهایی که به اندازه کافی باز نیستند تا اجازه دهند اطلاعات به شکل آزادانه ای جریان یابد، در فرایندی که وی آن را «انهدام خلاقانه» می نامد، عقب خواهد ماند. فریدمن یک مرشد^(۱) جهانی سازی به شمار می رود و اگرچه آثارش خالی از نقد بر جهانی سازی نیست، معدودی با استدلال او این بحث را دارند که جوامعی که درباره روند جهانی سازی گزافه گویی می کنند، توان آن را نخواهند داشت که در منافع اقتصادی این نیروی عظیم مشارکت نمایند. با این همه، فریدمن می پذیرد که جهانی شدن و اینترنت نیز واکنش قدرتمندی در مقابل سنتها و موارد باقی مانده قبلی در سیستم ایجاد می کنند.^۱ به علاوه، به گفته فریدمن اینترنت هماهنگ ساز است و این بدان معنی است که همه چیز را در حد گسترده ای آمریکایی می نماید. این تسلط فرهنگی البته با مخالفت بسیاری از جوامع روبه رو می شود؛ زیرا آنها ترس دارند که فرهنگ خودی و ارزشهای آن توسط غول سهمگین ایالات متحده بلعیده شود.

1. Guru

سرانجام اینترنت می تواند به چالش با سیاست دولت برخیزد، در حالی که دولت می کوشد تا جریان آزاد اطلاعات را که با آن مخالف است، کنترل نماید. جایزه صلح نوبل ۱۹۹۷ به خانم جودی ویلیامز، یک زن آمریکایی، اهدا شد که برای متوقف ساختن کاشت مینهای زمینی مبارزه می کرد. پنج قدرت بزرگ با ممنوع کردن موافقت نامه مربوط به متوقف ساختن کاشت مینهای زمینی مخالف بودند، اما او در مبارزه خود جدی بود. وقتی از وی در مورد شیوه مبارزه اش پرسش شد، او اسلحه مخفی خود را در انجام این کار پست الکترونیکی^(۱) عنوان نمود.^۲ بنابراین، اینترنت ابزار شکرگزاری و یا لعن و نفرین است. طبیعی است که از منافع مطلوب دنیای جهانی شده استفاده کنیم، اما اگر جامعه ای واله و شیدای سیستمی نیست که ظاهراً تحت سلطه آمریکایی ها اداره شود و یا اگر دولتی اعتراضات سیاسی، اجتماعی و یا مذهبی نسبت به جریان یافتن اطلاعات دارد، در این حالت جهانی سازی و وسیله حمل و نقل آن؛ یعنی اینترنت، مسایلی جدی پدید می آورد.^۳

عربستان سعودی و اینترنت

این امری بدیهی است که عربستان سعودی یک جامعه بسیار محافظه کار است که برخلاف سایر کشورهای این منطقه، منطق وجودی بنیان گذاری آن اسلام است. بنیان گذاران آن همیشه کوشیده اند تا تصویری از جانفشانی بی شائبه خود برای تأسیس یک دولت اسلامی خالص در سرزمین تولد اسلام؛ یعنی مکه و مدینه، ارائه دهند. عربستان سعودی چنین بیان می دارد که اسلام قانون اساسی آن است و این کشور کاملاً بر طبق قانون اسلام یا شریعت اداره می شود که به وسیله علما تعیین شده اند. در همان حال، این پادشاهی خود را کشوری مدرن قلمداد می کند، آنچنان که به تعادل آرمانی میان نوگرایی و سنت گرایی رسیده است.^۴

ملک فهد بن عبدالعزیز که از اواخر ۱۹۹۵ به شدت مریض است، به جز نام، همه اختیارات پادشاهی را به برادرش امیر عبدالله واگذار کرده است. امیر عبدالله بسیاری از افراد را

1. E-Mail

به دلیل سیاستهای لیبرالی خود در محدوده‌های چشمگیری متعجب ساخته است که در میان آنها می‌توان به مواردی مانند آشنا سازی آرام توریسم خارجی- غیر مسلمانان- پیشگامی در بحث در مورد موقعیت زنان، آزاد کردن مخالفان اسلامی و معرفی اینترنت به جامعه عربستان سعودی نام برد.^۵ در اواسط ۱۹۹۷، دولت سعودی علایمی را از خود بروز داد که در آن معرفی اینترنت برای استفاده عموم ملحوظ بود، در حالی که این وسیله جدید قبلاً فقط به کسانی محدود می‌شد که دارای موقعیتهای ویژه‌ای در دانشگاهها بودند. دولت در صدد آن بود تا افکار عمومی را بسنجد و یا شاید واکنشهای مردم را دریابد. در این جهت بحثی در مطبوعات به راه افتاد. سعودی‌ها به شکل قابل درکی در معرفی اینترنت محتاط بودند. برای مخالفان، این عمل تلاش گستاخانه‌ای در جهت غربی سازی تلقی می‌شد. یک ستون نویس در الیوم^۶ در این باره نوشت: «از هنگامی که شما موافقت کرده‌اید این ابزارهای تمدن از جمله کارخانه‌ها، سلاحهای آن و رایانه‌های آنها را بپذیرید، مجبور شده‌اید عقاید و ارزشهای آن را نیز بپذیرید.» عبدالله بن عبدالمحسن الترقی که در آن هنگام وزیر امور مذهبی و ارشاد بود و به عنوان متفکری که اغلب درباره آنچه که «دیدگاه سعودی» از اسلام نامیده می‌شد، مطلب می‌نوشت، مطلبی را در مورد جهانی سازی قلمی کرد که اینترنت محور اساسی و اصلی آن بود. او نوشت که «طرفداران جهانی سازی در جستجوی آن بودند که دموکراسی غربی را بدون در نظر داشتن تمایزات مذهبی دیگر جوامع ترویج کنند.» در سیستم اسلامی مشورت (شورا) بر مبنای اکثریت عددی قرار ندارد، بلکه بر اساس وفاق و اجماع افراد برگزیده‌ای است که خدا ترس هستند و بنابراین به تصمیمات مناسبی خواهند رسید. در مشورت اسلامی فرد خالص و صادق بر استبداد عددی اعضا برتری دارد.^۷

از سوی دیگر، بعضی از نویسندگان از اینترنت به مثابه یکی از مهم‌ترین پیشرفتهای تاریخ ارتباطات دلیرانه دفاع کردند و اظهار داشتند که «حتی اسرائیل نیز در استفاده از آن فرصت را از دست نداد.» امیرال خمیس در روزنامه الجزیره نوشت: «ما تاکی می‌خواهیم جدا و منزوی از زبانی بمانیم که تمام دنیا از آن استفاده می‌کنند؟ طبیعت زمانه ما دیگر با متولی ذهن مردم بودن سازگاری ندارد...»^۸ در اوایل مارس ۱۹۹۷، شورای وزیران بودجه شهر

علوم و فناوری ملک عبدالعزیز را تأمین کرد (KACST)^(۱) که در آن واحدی برای امور اینترنت تحت عنوان سرویس واحد اینترنت (ISU) تأسیس شد.^۹ تمام ترافیک اینترنت عربستان سعودی از درون این دانشگاه و تنها گروه ارتباطی آن تأمین می‌شد. این دانشگاه سرویسهای اساسی را با استفاده از ۲۲۷ مقاطعه کار فرعی با توجه به سطح سرویس برای مصرف کنندگان و با در نظر گرفتن قوانین، در اختیار آنها قرار می‌دهد. مهم‌ترین نکته در این مورد ممنوعیت صور قبیحه و قمار است و همچنین اجرای فعالیتهایی که ارزشهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، رسانه‌ای، اقتصادی و مذهبی عربستان سعودی را نقض می‌کند.^{۱۰}

سعودی‌ها در تدارک سانسور اینترنت هستند، به گفته کمیته مخالفت علیه فساد و ارتشاء در عربستان سعودی، دولت با شرکت انگلیسی خدمات مشورتی JBB قراردادی را برای حذف وب سایتهای قابل اعتراض و مسدود کردن دسترسی به تمام منزلگاهها امضا کرد.^{۱۱} رییس شهر علوم اظهار می‌دارد که «عربستان سعودی از اشتباهاتی که دیگر کشورها مرتکب شدند و بر اساس آن به سرعت حرکت کردند، اجتناب خواهد کرد.» او تأکید می‌نماید که «قبل از اینکه این وسیله در دسترس عموم قرار داده شود، حاکمیت به مطالعه‌ای درباره جنبه‌های منفی اینترنت دست خواهد زد.»^{۱۲} وی همچنین جزییاتی را درباره پیشنهادهای پادشاهی برای حذف دسترسی به یک منزلگاه و فیلتر کردن آن این‌گونه عنوان کرد:

«کمیته‌ای دایمی برای حفظ جامعه از موضوعاتی در اینترنت که اسلام را نقض می‌کند و یا به سنت و فرهنگ ما دست اندازی می‌نماید، تشکیل می‌شود. این کمیته در مورد اینکه کدام منزلگاهها غیر اخلاقی هستند تصمیم می‌گیرد و بنابراین مانع ورود مشترکین به این منزلگاهها خواهد شد. چیزهای بد زیادی در اینترنت وجود دارد، به همین دلیل ما ساز و کاری را برای جلوگیری از دستیابی به چنین چیزهایی در جامعه خودمان به وجود آورده‌ایم. بنابراین، مشترکین خانگی این سرویس را می‌توان خاطر جمع ساخت.»^{۱۳}

رییس شهر علوم بر این نتیجه تأکید دارد که «ما ابتدا می‌خواهیم مطمئن شویم که تمام جنبه‌های منفی اینترنت را حذف می‌کنیم.» اما مقامات سعودی باید به زودی دریابند که

1. King Abdool Aziz City for Science and Technology

واقعیت از فناوری آنها قوی تر است. در می ۱۹۹۸، مقامات KACST (شهر علوم و فناوری) اعلام کردند که «عملیات آزمایشی در اکتبر شروع خواهد شد و عموم مردم از ماه دسامبر به اینترنت دسترسی خواهند داشت.» آنان همچنین رهنمودهایی را به این شرح اعلام کردند:

اجتناب از استفاده از شبکه برای اهداف غیرقانونی، اجتناب از اجرای فعالیتهایی که ارزشهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، رسانه‌ای، اقتصادی و مذهبی پادشاهی عربستان سعودی را نقض می‌کند، خودداری از به کار بردن شبکه به شیوه‌ای که موجب مزاحمت، تهدید و یا گسترش شایعاتی علیه شخص، حزب و غیره می‌شود، و همچنین خودداری از دریافت اطلاعات کدگذاری شده.^{۱۴}

دسترسی عمومی به اینترنت از اواخر ژانویه ۱۹۹۹^{۱۵} شروع شد. برای دولت سعودی، پیدایش این فضای جدید مسئله‌ای نگران کننده بود؛ زیرا انحصار اطلاعاتی ریاض و نقش آن را به عنوان ایجاد کننده مرکزیت اسلام به چالش می‌طلبید. در واقع، عرصه عمومی جدیدی وجود داشت که این دولت نمی‌توانست آن را کنترل کند. برای سالها از طریق نهادهایی مانند حج، همبستگی جهانی مسلمانان و کنترل آنها بر برون دادهای چاپ و پخش، مقامات عربستان سعودی در تلاش بودند تا پادشاهی را به مثابه متولی خالص ترین و ناب ترین شکل از اسلام به تصویر بکشند. آل سعود با انحصاری ساختن اطلاعات نه فقط در پی آن بود که مخالفان سیاسی را خنثی نماید، بلکه همچنین قصد داشت کسانی را که با کنترل مقامهای سعودی بر مکانهای مقدس اسلامی یعنی حرمین مخالفت می‌کنند، از دور خارج نماید.

مخالفان سعودی در اینترنت

جامعه عربستان با جهش پر سر و صدایی استفاده از اینترنت را آغاز کرد. نخستین کسانی که در سال ۱۹۹۴ وارد این فضا شدند، مخالفان سعودی بودند که در شکل کمیته دفاع از حقوق مشروع^(۱) ظاهر شدند و با ارسال نامه الکترونیکی به اداره یک وبسایت پیچیده همت گماشتند. به دنبال شکاف و جدایی در سازمان آنها در سال ۱۹۹۶ جنبش

1. Committee for Defence of Legitimate Rights (CDLR)

اصلاحات اسلامی در عربستان^(۱) منزلگاه خاص خود را برپا کرد. این منزلگاه توسط سعدان فقیه، یک جراح سعودی که به حالت تبعید در لندن زندگی می کرد، اداره می شد.^{۱۶} فقیه از این طریق به ارایه بیانیه های سیاسی، پوشش خبری و تحلیلهای مختلف می پرداخت که لحن آن اسلام گرایانه و ضد دولتی بود و با ادعاهای سعودی مبنی بر اینکه به نام اسلام راستین سخن می گوید، مبارزه می کرد. او به ارایه تفسیرهای شنیداری، تهیه یک بولتن و ایجاد و اشتراک برای نامه خبری خود تحت عنوان ال-اصلاح از طریق نامه الکترونیکی می پرداخت. در کنار وی، منزلگاههای دیگر مخالفان نیز وجود داشت که بیشتر آنها به سازمان فقیه وابسته بودند.

از اواسط سال ۲۰۰۰، یکی از فعالان مخالف به منظور نشان دادن فساد و ارتشای خاندان سعودی، به توزیع فهرستی از طریق نامه الکترونیکی پرداخت که تصاویری قابل اعتماد از اسناد محرمانه درونی دولت سعودی را ارایه می داد که بسیاری از آنها از اعضای خانواده سعودی در بالاترین مقامات، مثل سلطان بن عبدالعزیز، وزیر دفاع، و امیرعبداله بودند. فهرست مربوط به عبدالعزیز بیانگر دستور انتقال زمینی عمومی در مکه به مالکیت خودش در برابر یک «هزینه نمادین» بود. سند دیگری که به امضای مدیر تحقیقات رسیده، مربوط به دعوت برای ملاقات سران نمایندگیهای مختلف امنیتی بود. اگرچه بیشتر مخالفان شیعه به توافقی با مقامات سعودی در سال ۱۹۹۳ دست یافتند، اما آنان به دنبال توقیف فعالان شیعه که حدس زده می شد در بمب گذاری سال ۱۹۹۶ در تأسیسات آمریکا در طهران دست داشته اند، حضور خود را در اینترنت افزایش دادند.^{۱۷} منزلگاه آنان در بیروت به ثبت رسیده بود و مرکزی برای سازمان مخالفان شیعه تلقی می شد که در خلیج فارس فعالیت داشتند. اسناد موجود ارتباط میان آنها را با دیگر گروههای شیعه مخالف نشان می دهد که عبارتند از: جنبش اسلامی در شبه جزیره عربستان، ائتلاف علمای حجاز، حزب حجاز، و کمیته دفاع از حقوق بشر در شبه جزیره عربستان.^{۱۸} با این همه، فعالیت سیاسی- غیر دولتی در اینترنت به مخالفان محدود نمی شود. شاهزاده خالد بن سلطان، فرمانده پیشین نیروهای

1. The Movement for Islamic Reform in Arabia (MIRA)

عربستان در دوره جنگ خلیج فارس و صاحب روزنامه مشهور الحیات نیز منزلگاه اینترنتی مربوط به خود را دارد.

دولت در اینترنت

رژیم سعودی خیال آن را نداشت که عرصه اینترنت را به مخالفان اسلامی خود واگذار نماید، همان گونه که عرصه ماهواره و رسانه های چاپی را رها نکرد. در واقع، دولت با تأسیس اینترنت مربوط به خود وارد قلمرو مبارزه برای معرفی و نمایش موقعیت حرمین شد. این کار دربرگیرنده منزلگاههای بسیاری بود که بنیاد خیریه الحرمین را نیز شامل می شد.^{۱۹} محور حقانیت دولت این تصور است که راه اسلام واقعی را نشان می دهد. بنابراین به ایجاد منزلگاه القمام^(۱) مبادرت کرد که اطلاعیه های دولتی، پاسخها و مصاحبه با مقامات را منتشر می کرد و وب سایتی برای وزارت علوم عالی ایجاد نمود.^{۲۰} از آنجا که ملک فهد نهبان حرمین شریفین خوانده می شد، چه شیوه ای بهتر از آن بود که بر پخش نماز نمازگزاران مکه و مدینه از طریق اینترنت تأکید کند. برای رسیدن به این هدف، شهر علوم و فناوری (KACST) در می ۱۹۹۸ اعلام کرد که «در حال برپا کردن یک سرور رادیویی اسلامی در منزلگاه خود می باشد». کانال یک عربستان سعودی هم اعلام نمود که «پخش خود را برای آمریکا و کانادا در آوریل آغاز خواهد کرد». به گفته شاهزاده فیصل بن فهد، هدف این بود که «عربستان سعودی دیگر مسلمانان را در این کشورها قادر سازد تا برنامه های مذهبی و فرهنگی عربستان را دریافت کنند». در اوایل ژانویه ۱۹۹۹ شهر علوم و فناوری اعلام نمود که این امر به روی وب سایت آن اجرا خواهد شد.^{۲۱}

تصور دولت عربستان سعودی آن است که موقعیت مالکانه ای نسبت به اسلام خود دارد که توسط دیگران وهابیت نام گرفته است. انتظار بر این است که علمای آن کشور از آن تبعیت کنند و برای رژیم مشروعیت قانونی فراهم آورند. این مسئله همچنین بخشی از تلاشهای تاریخی رژیم برای ایجاد و متمرکز سازی ساختار حکومتی در جامعه ای است که تحت تسلط

1. Al-Qimam

قبایل بوده و حالتی غیرمتمرکز دارد. مقابله عربستان سعودی با وعاظ مخالف به مقیاس گسترده‌ای درباره این مطلب بوده است که چه کسی تعیین کننده شکل درست اسلام است و چه کسی حق دارد تا در مورد اسلام در کشور وعظ نماید.^{۲۲} این وعظ به مثابه «دعوه»^(۱) شناخته شده است. در یک همایش در ژوئن ۱۹۹۹ در مورد دعا در قلمرو سلطنت بنیان گذار پادشاهی، عبدالعزیز السعود، شاهزاده نایف بن عبدالعزیز، وزیر کشور، خطابه‌ای را برای واعظان گردهم آمده ایراد کرد. او بر اهمیت پیامهای هماهنگ و یک پارچه‌ای که توسط واعظان عنوان می‌شود، تأکید کرد و به آنان خاطر نشان نمود که «این جا کشور دعوه است و کشوری نیست که تنها به خاطر مسایل زمینی تأسیس شده باشد.» او اظهار امیدواری کرد که وعاظ همانند افراد امنیتی برای حفظ اسلام عمل کنند. وی همچنین با مد نظر قرار دادن اینترنت این گونه نتیجه‌گیری کرد که «این وسیله در همان حال که حاوی موضوعاتی منفی است، می‌تواند ابزاری مفید در آگاه کردن دنیا درباره اسلام در عربستان سعودی باشد.»^{۲۳} وزیر امور اسلامی، وقف، دعوه و ارشاد هم به طور نمادینی قلمرو مهمی را در کشور مسلمان عربستان سعودی برای خود قایل می‌شود. در میان بسیاری از موضوعات که می‌توان در منزلگاه آن یافت، یک نقشه کار برای ارتقای کیفی به مبلغان اسلامی قابل مشاهده است که به ششمین کنفرانس وزیران اوقاف و امور اسلامی در جاکارتا که در نوامبر ۱۹۹۷ برگزار شد، ارایه شده است. مرکز مطالعات تحقیقات این وزارتخانه که در این منزلگاه قابل دسترسی است، مأموریت خود را «ابراز و دفاع از عقاید صحیح اسلامی و روشن ساختن نظرات اسلامی درباره مسایل روشنفکری معاصر» اعلام کرده است. این وزارتخانه مراقبت هوشیارانه در مورد چیزهایی را که درباره اسلام و مسلمین به چاپ می‌رسد، به عهده دارد. وزارتخانه همچنین اداره وب سایت مرکز تعاونی دعوت و ارشاد را با وجود شعباتی در جده به عهده دارد. هدف مشخص شده این وزارتخانه انجام مأموریت در چارچوب نام اسلام است.^{۲۴} هدف آشکار چنین وب سایتی هم معرفی نوع اسلام عربستان سعودی به جهان است.

شیخ عبدالعزیز، عزیز بن عبدالله بن باز مقام بلند مرتبه مذهبی پیشین در عربستان،

1. Dawa

به خاطر فتوای مشهور خود در حمایت از دولت شهرت دارد. هنگامی که او در سال ۱۹۹۹ وفات یافت، دولت وب سایتی را به نام وی افتتاح کرد، به نحوی که افراد می توانستند درباره زندگی او مطالبی را فراگیرند و درباره تصمیماتش در حمایت از خانواده سعودی و وقف خود برای اسلام مطالبی را بخوانند. این منزلگاه توسط پسر وی، شیخ احمد بن باز، اداره می شود که خودش نسبت به استفاده از اینترنت برای نصیحت مردم و ارایه تصمیمات مذهبی تنفر ندارد. این امر، چیز مورد نیازی بود که طبق نظر سعودی ها باید انجام می شد تا اینترنت را در خدمت اسلام سعودی قرار دهد، اما این یک لبه از شمشیر دو لبه اینترنت است.

سد کردن راه اطلاعات: چگونه عربستان سعودی دسترسی به اینترنت را کنترل و مونیتر می نماید؟

عربستان سعودی در عین شناختن اهمیت اینترنت برای مدرنیزاسیون و اقتصاد، نگران دستیابی شهروندان خود به منزلگاههایی است که پورنوگرافی و یا مطالب مخالفان رژیم را ارایه می کنند. آرزوی دولت عربستان این است که انحصار خود را بر اطلاعات حفظ کند و بسیاری از شهروندان انتظار دارند که رژیم آنان را از آثار نامساعد خارجی حفظ نماید. سعودی ها، جزییات و چگونگی سد کردن منزلگاههای «نامقبول» را افشا نکرده اند، اما ما عقیده عامی در این مورد داریم. اولین مانع خودسانسوری است. سعودی ها تمایلی به دسترسی به منزلگاهها و به ویژه منزلگاههای سیاسی و پورنوگرافی که آنان را در معرض توجه و دید مقامات قرار می دهد، ندارند. مقررات سعودی ها در مورد اینترنت عنوان می کند که در یک دستورالعمل ثبت دستی و الکترونیک با توجه به اطلاعات کامل استفاده کننده نهایی از اینترنت، آدرس، شماره های تلفن، هدف استفاده و ملاحظات دسترسی خصوصی به اینترنت به اجرا در می آید و در صورت لزوم یک کپی از آنها گرفته می شود.

فیلتر بعدی، ارایه کنندگان خدمات اینترنت (ISP) محلی هستند که در صورت اجازه دادن به دسترسی به منزلگاههای ممنوع جواز خود را از دست می دهند. ISP ها اجازه ندارند تا به طور مستقل به اینترنت وصل شوند و ترافیک اینترنتی هم باید از طریق سرور دارای

پروکسی اصلی در ISU متعلق به شهر علوم و فناوری در ریاض هدایت شود. در واقع، در محل ISU است که کار ایجاد مانع و گذاشتن فیلتر به سر راه اطلاعات انجام می شود. در یک احتمال کلی، سعودی ها از فناوری فیلتر کردن Web همانند مؤسسه Websense آمریکا استفاده می کنند که اساساً جهت پیاده کردن اینترنت برای استفاده کارکنان طراحی شده است. برنامه با مقایسه تقاضاهای دسترسی استفاده کننده به پایگاههای اطلاعاتی اصلی^(۱) با حدود ۱٫۵ میلیون منزلگاه کار می کند و هر روزه منزلگاههای تازه ای بدان افزوده می شود. Websense به مدیران امکان می دهد تا دسترسی به تمام منزلگاهها به جز آنهایی را که آشکارا مشخص شده اند، محدود سازند. این فهرست گاهی اوقات «فهرست بلی» یا «فهرست سفید»^{۲۵} نامیده می شود. اگر فرض را بر این بگیریم که در واقع این شکل از سیستم در عربستان سعودی به اجرا در می آید، باید گفت طبق نظر نگهبان حقوق بشر،^{۲۶} عربستان بسته ترین و محدود کننده ترین رژیم در از صافی گذراندن وب سایت در جهان محسوب می شود. استفاده کنندگانی که بکوشند به منزلگاههای ممنوع شده دسترسی پیدا کنند، با این پیام دو زبانه عربی- انگلیسی روبه رو می شوند که «دسترسی به URL درخواست شده اجازه داده نمی شود و اگر معتقدید که صفحه درخواست شده نباید با مانع روبه رو شود، لطفاً فرم زیر را پر کنید.» از استفاده کنندگان دعوت می شود تا منزلگاههایی را که به نظر آنان باید بسته شود و همچنین منزلگاههایی را که نباید بسته شود، مشخص کنند.^{۲۷}

ISU در ماههای جولای- سپتامبر ۱۹۹۹ به یک بررسی در مورد موانع ایجاد شده بر سر راه منزلگاههای اینترنتی؛ دست زد ۴۵ درصد از پاسخگویان اظهار می داشتند که «ایجاد سد بسیار بیش از حد گسترده است، ۴۱ درصد آن را عقلائی قلمداد کردند و ۱۴ درصد نیز آن را ناکافی می دانستند.»^{۲۸} به رغم میلیونها دلاری که جهت از صافی گذراندن اطلاعات و ایجاد مانع سرمایه گذاری شده است، سعودی ها آگاهند که نمی توانند هر چیزی را منع کنند. فهد الهوایه مانی، سرپرست ISU، می گوید: «یا به ما اجازه دهید که همه با هم حرکت کنیم یا تلاش کنید تا آن را محدود کنید، ما امیدواریم که حداقل بتوانیم بی گناهان را حفظ

1. Main Data Base

کنیم.^{۲۹} مقامات شهر علوم و فناوری می گویند که روزانه حدود ۵۰۰ درخواست برای بستن منزلگاهها و حدود ۱۰۰ درخواست برای گشودن آنها دریافت می کنند. در مارس ۲۰۰۱ تقریباً حدود ۲۰۰ هزار منزلگاه اینترنتی ممنوع شده وجود داشت که به طور متوسط ۲۵۰ سایت در روز را شامل می شد. ISU در اواخر آوریل اعلام کرد که «قصد دارد تا مبارزه تازه ای را به منظور ممنوع ساختن ۲۰۰ هزار منزلگاه ترتیب دهد.»^{۳۰} عبدالوهاب بشیر با نوشتن مطلبی در روزنامه انگلیسی زبان عرب نیوز متعلق به عربستان سعودی اظهار داشت که «فیلتر گذاری توسط بسیاری بی اثر تلقی می شود؛ زیرا به آسانی می توان از طریق ابزارهای دیگری که به پروکسی ISU پیشدستی می کنند و هیچ اثری هم از خود باقی نمی گذارند، به منزلگاههای ممنوع شده دست یافت. بنابراین، به جای آن باید اقدامات مؤثرتر آموزشی به کار گرفته شود تا مردم از مزایا و زیانهای اینترنت آگاه شوند و بیاموزند تا از آن مسئولانه استفاده کنند.»^{۳۱} همچنین مفتی کل عربستان سعودی، شیخ عبدالله بن عبدالله آل شیخ، در آوریل خواستار تحریم «یاهو» به دلیل محتوای قابل دسترسی به پورنوگرافی شد، ولی معلوم نشد که چه تعدادی به این درخواست اعتنا کردند.^{۳۲} همچنین برای بسیاری از سعودی ها دسترسی به اینترنت به خاطر فقر زیربنایی و ساختار قیمت گذاری بالا امکان پذیر نیست، تعداد ISP ها به تعداد مدمهایی محدود شده که اجازه داشتن آن داده شده است: یعنی تعداد ۱۳۰ ISP در اولین شش ماه عملیات.^{۳۳} البته وجود تعداد کمی از مدم پرتها^(۱) به یک مسئله تبدیل شده بود. در ژوئن ۱۹۹۹ فقط ۵۰۰۰ عدد پورت وجود داشت، اما شرکت ارتباطات راه دور سعودی^(۲) می گوید: «به ISP های محلی قول داده است تا آنها را به زودی دو برابر کند» و به زودی هر هفته ۵۰۰۰ Port اضافه شد.^{۳۴} البته ایجاد صافی به خودی خود کار شبکه را کند می کرد. سعود کاتب، مدیرعامل سیستمهای ارتباطاتی و اطلاعاتی، از آثار گذاشتن صافی برای دسترسی به اینترنت به تلخی شکایت می کند و به علاوه هزینه فیلتر کردن را از نظر اقتصادی توجیه ناپذیر می داند. وی می افزاید که «هزینه استفاده از اینترنت بالاست و شهر علوم و

1. Modem Ports
2. Saudi Telecommunications Company

فناوری در مورد نیاز به آن مبالغه کرده است، بنابراین سانسور باید به خود افراد مربوط شود.» او می‌گوید: «به باور من، سانسور کردن از نظر فنی غلط و بی‌فایده است. این کار، هدر دادن پول است.» این نظر کاتب از آن رو قابل توجه و دقت است که مؤسسه افق گرداننده ISP عرب نت است که یاری دهنده به گروه بازاریابی و تحقیقات عربستان سعودی محسوب می‌شود. این گروه، یک مؤسسه انتشاراتی است که صاحب آن، اعضای خانواده سلطنتی هستند.^{۳۵} البته ISU این مطلب را که سانسور کردن موجب کندی کار شبکه می‌شود، به شدت تکذیب می‌کند. نظر کاتب در همان حال با مخالفت مدیر ISP عرب واقع شد که اظهار می‌داشت: «اگر سانسور نداشته باشیم، همه چیز روبه هرج و مرج خواهد رفت. به عبارتی، حرکت از نظم به سوی بی‌نظمی است.»^{۳۶} قیمت بالای نرخ ISP چه با طرح قبلی تعیین شده باشد و چه تعیین نشده باشد و همچنین قیمت‌های نسبتاً بالای آن برای استفاده که همگی توسط ISU اداره می‌شود، نوعی بی‌انگیزگی قوی اقتصادی را چه برای ISP ها و چه برای استفاده کنندگان فراهم می‌آورد؛ همین خود دسترسی به اینترنت را محدود می‌سازد.^{۳۷} به یقین خدمات ضعیف نیز استفاده را محدود می‌سازد؛ زیرا محدودی صبر لازم برای قطع ارتباط و یا Download (پیاپی) آهسته مطالب را دارند.^{۳۸} در اکتبر ۱۹۹۹ اعلام شد که صدها کاربر می‌خواهند به خاطر اعتراض به قیمت بالا و دسترسی آهسته به اینترنت اعتصاب کنند،^{۳۹} ولی معلوم نشد که چه تعدادی در این کار شرکت کردند.

دولت سعودی به رغم همه کوششهایی که در جهت کنترل استفاده از اینترنت دارد، تشخیص می‌دهد که نمی‌تواند جلو همه چیز را بگیرد. بنابراین چیزی که مهم است، کنترل منابع عمده پورنوگرافی و اطلاعات درباره مخالفان سیاسی است. یکی از منزلگاههایی که این موارد در آن وجود دارد، سایت «یاهو» است. در اوت سال ۲۰۰۰، رژیم عربستان سعودی دسترسی به باشگاهها (کلوبها)ی آن را ممنوع کرد، اما به رغم ممنوع سازی، بررسیها نشان می‌دهد که بسیاری به ورود به باشگاههای یاهو ادامه می‌دهند. این کار می‌تواند با تکیه بر سیستم اجتناب از پروکسی صورت گیرد که با گرفتن شماره خارج از پادشاهی می‌باشد و یا ممکن است کاربران به قلابهای ماهواره ای غیرقانونی دسترسی داشته باشند.

خلیل الجدان، سرپرست امنیتی اینترنت در ISU، می گوید که «تصمیم گرفته شده است تا دسترسی به باشگاههای اینترنتی ممنوع شود؛ زیرا بسیار ساده است تا باشگاههای تازه ای فقط در چند ثانیه ایجاد شود.» تصمیم برای ایجاد ممنوعیت به گفته وی بالاخره اتخاذ شد، زیرا موضوعات از محدوده هایی قابل پذیرش، با ایجاد مطالب پورنوگرافیک و باز کردن میدانهایی برای بحثهای سکسی و سیاسی که به آبروی خود سعودی ها صدمه می زند، فراتر رفته است.^{۴۰}

الگوهای کاربری اینترنت در عربستان

در تخمینهایی که در مورد استفاده از اینترنت در پادشاهی سعودی زده می شود، اختلافات گسترده ای به چشم می خورد؛ به عنوان مثال، براساس یک تحقیق از سوی ISPها در اواسط مارس ۲۰۰۱، رقم اعلام شده ۵۷۰ هزار کاربر است،^{۴۱} در حالی که رقم مربوط به بررسی اتحادیه ارتباطات از راه دور بین المللی در آوریل ۲۰۰۱، حدود ۳۰۰ هزار کاربر را نشان می دهد.^{۴۲} یک تحقیق دیگر تعداد ۲۲۰ هزار مشترک تخمین زده شده را بسیار زیاد می داند و این تعداد را حدود ۱۳۵ هزار در ژانویه ۲۰۰۱ ذکر می کند.^{۴۳}

با این همه، هنوز زود است تا درباره ماهیت کاربری عمومی اینترنت در سعودی نتیجه گیری کنیم، اما می توانیم در این مورد از شواهد موجود استفاده کنیم. به نظر می رسد که استفاده از اینترنت توسط زنان در حال افزایش است و این امر، احتمالاً پدیده غیرمنتظره ای است. زنان در عربستان سعودی جزیی از نیروی کار منظم به حساب نمی آیند، از این رو مجبور می شوند برای مدت طولانی در خانه بمانند؛ زیرا نمی توانند خود رانندگی کنند و تنها در صورت داشتن اجازه و یا با همراهی شخصی محرم می توانند بیرون بروند. این می تواند محدودیت سختی در راه تواناییهای آنان برای بیرون رفتن، دنبال کار بودن و یا اجتماعی شدن به حساب آید. بنابراین، اینترنت در اینجا می تواند نقش مهم و یا شاید حتی آزادسازی را برای آنان ایفا کند. اینترنت فضای کاملاً تازه ای را برای جمع آوری اطلاعات و اجتماعی شدن برای آنان پدید آورده است و نیاز هم نیست که برای انجام این کار، خانه را ترک کنند. یکی از منزلگاههای محبوب، یاهو است که همان طور که گفته شد، تماس با آن از طرف

سعودی‌ها ممنوع شده است؛ زیرا از نظر آنان حاوی صحبت‌ها و مکالمات نامربوط است. بسیاری از افراد اقلیت شیعه عربستان - که حدود ۱۲ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند - بیشتر اوقات به دیدن منزلگاه‌های عرب زبان شیعه در ایران می‌پردازند. رافدنت که در قم واقع است و دیگر منزلگاه‌های این چینی، ۴۵ درصد از کاربران عربستان را در اختیار دارند. این منزلگاه‌ها به ظاهر ممنوع شده‌اند، اما اغلب کاربران فنونی را ابداع کرده‌اند تا از دایره سانسور سعودی خارج شوند.^{۴۴} باید اشاره نمود که مخالفت سیاسی چندان در کانون توجه کاربران قرار ندارد، بلکه استفاده عمده از اینترنت برای تفریح و سرگرمی است.

مسائل فنی و موضوعات آینده

هنگامی که سعودی‌ها سرانجام به اینترنت اجازه آمدن دادند، تصمیم اصلی آنان از صافی گذراندن منزلگاه‌های نامقبول بود. هنگامی که جامعه‌ای مانند جامعه سعودی دفاع از هنجارهای خود را بر می‌گزیند، به طور مسلم انجام این کار بدون پرداخت بهای فنی گسترده برای سطح خدمات اینترنت میسر نیست. با وجود آنکه تمام ترافیک اینترنتی فقط از طریق یک گروه - مربوط به شهر علوم و فناوری - عبور می‌کند، با برداشتن هر قدمی برای فیلترگذاری، ترافیک کند می‌شود و اینترنت در برابر عملیات هکرها به شدت آسیب پذیر می‌گردد. چنین مسایلی ممکن است باعث دلسردی در استفاده از اینترنت شود و یا نفوذ مؤثر آن را محدود سازد. سعودی‌ها خواستار مدرنیزه کردن، قیمت‌های پایین‌تر و اصلاح زیرساخت‌ها می‌باشند. ولیعهد در ماه می ۲۰۰۰ اعلام نمود که «مبلغ ۱٫۳ میلیارد دلار برای معرفی محاسبات رایانه‌ای و اینترنت به مدارس سعودی تخصیص داده خواهد شد.» با این برنامه جاه طلبانه که «وطنی» (سرزمین من) نام دارد، پروژه Net خدمات پایه‌ای از جمله پست الکترونیکی، چت، پیوستن به منزلگاه‌های آموزشی و شبکه‌ای ساختن ارتباط مدارس با اینترنت را در بر می‌گیرد. هدف نهایی، ایجاد یک شبکه جامع ملی و خدمات اطلاعاتی است که تمام شهرها و روستاهای کشور را پوشش دهد.^{۴۵} امیرعبدالله با ارایه یک شخصیت مدرن، در عین حفظ شخصیت اسلامی و محافظه کار، به ایجاد تعادلی در عمل همت می‌گمارد که بسیاری امید و آرزوی انجام آن را دارند.

در ژانویه سال ۲۰۰۰ گزارش شد که شهر علوم و فناوری کاهش قیمت را مد نظر دارد و تعرفه‌هایی که ISP را شارژ می‌کند، در ماه می ۴۵ درصد کاهش یافت.^{۴۶} از نظر بسیاری کاهش قیمت هنوز غیر کافی بود، به ویژه آنکه خدمات هنوز نیاز به اصلاح داشت. مدیر عامل ISP سعودی اظهار می‌دارد که «این امر نیت و مقاصد را منعکس می‌سازد، اما مسئله ارتباط هنوز باقی است؛ زیرا تمام ارتباط یابی‌ها به رغم شکایتهای مکرر در این مورد باید از طریق شهر علوم و فناوری انجام شود.»^{۴۷} آیا عربستان سعودی هنوز از چالش اینترنت هراس دارد و آیا هنوز موانعی بر سر راه رسانه‌ای که در جامعه سعودی شکل جدی می‌یابد، گذاشته می‌شود؟ آیا تلاش می‌شود تا از ثمره آن نیز استفاده شود؟ مسلماً مواردی چون قیمت‌های بالا و خدمات نامناسب انگیزه‌های اقتصادی را کاهش می‌دهند؛ ISP‌ها کسب سود را مشکل می‌یابند و کاربرهای فردی نیز عاجز شده‌اند یا شاید رژیم در حال گرفتن تصمیم نهایی است و هدف آن هم مجبور ساختن ISP‌ها برای حرکت به سمتی است که فراتر از یک تأمین‌کننده ساده پست الکترونیکی و یا Web صرف باشند، بنابراین کار به صورت تجارت بزرگی درآمده که خود را به سایر فضاها و فناوری اطلاعات گسترش می‌دهد. از سوی دیگر، چگونه می‌توان انتظار داشت که آنها درآمدهای عمده و اصلی خود را گسترش دهند، در حالی که منزلگاههای دولتی آنها را محدود می‌کند؟ در هر حال چنین سیاستی دودلی مشخصی را در مورد نسبت هزینه‌های اجتماعی و سیاسی به منافع ناشی از دسترسی گسترده‌تر به اینترنت در عربستان منعکس می‌کند.

اسناد داخلی ISU، توسعه زیرساختاری گسترش‌یابنده را وعده می‌دهند، همچنین نقشه‌هایی برای باز کردن دروازه دیگر شهر علوم و فناوری در جده وجود دارد که ISU-2 نامیده می‌شود.^{۴۸} کاربران برقراری فیلتر بر سر راه اینترنت را عامل اصلی خدمات ضعیف می‌دانند. طبق گزارش ISU تحت عنوان «آینده اینترنت»، از صافی‌گذرانیدن (فیلترینگ) پیچیده‌تر از آن است که به ISP‌ها واگذار شود و معلوم نیست که هر ISP بتواند آن را به درستی انجام دهد. بنابراین، در هنگام تصمیم‌گیری برای اینکه چه نوع اطلاعاتی باید از طریق اینترنت وارد کشور شود، انحصار دولتی حالت تقدم خود را حفظ خواهد کرد؛ این انحصار در

مقررات صادره توسط شورای وزیران در فوریه ۲۰۰۱ کدبندی شد. با این شیوه حکومت توانست تا حد زیادی دسترسی جامعه به اطلاعات را محدود سازد و قلعه تمرکزگرایی را در مقابل حملات تمرکززدایی حفظ نماید. در اینجا دولتی را داریم که همچنان به تمرکزگرایی اسلامی و حفظ اطلاعات علاقه دارد و در مقابل رسانه‌ای چون اینترنت که ماهیتاً تمرکززدا می‌باشد، صف‌آرایی کرده است. این امر رژیم را که همچنان در مقابل یک مشکل دووجهی برای آینده قابل پیش‌بینی قرار گرفته، به مبارزه خواهد طلبید.

عربستان سعودی با کاربردهای وسیله اصلی جهانی سازی؛ یعنی اینترنت، مبارزه می‌کند؛ زیرا از یک سو می‌خواهد بخشی از «اقتصاد جدید» باشد و در عین حال خواستار آن است تا میراث یک پارچه خود را از چیزی که آثار نابهنگام اینترنت می‌خواند، حفظ کند. بنابراین، اینترنت هم زمان وسیله‌ای دودم در فرصت و چالش است. حتی بدون اینترنت نیز سعودی‌ها روزانه در معرض وسیله دیگر جهانی شدن؛ یعنی تلویزیون ماهواره‌ای، قرار دارند. آنان در آنجا نیز کوشیده‌اند تا ایستگاههای بسیار مهم را خریداری و اداره کنند، اما برای همیشه نمی‌توان این کار را کرد. بسیاری از سعودی‌ها شبکه ماهواره‌ای قطر یعنی الجزیره را با برنامه‌های پویا و بحث‌برانگیز آن تماشا می‌کنند. ممکن است هر کشوری خواهان آن باشد که سیاست اینترنتی خود را تدوین نماید، اما در عین حال باید آماده پرداخت بهای محدود کردن دسترسی به اینترنت نیز باشد. عربستان سعودی نیازمند آن است تا راهی برای ایجاد تعادل برای این نگرانیها پیدا کند. بسیاری از سعودی‌های جوان‌تر به ولیعهد امید زیادی بسته‌اند تا در این مورد راهی پیدا کند. اینترنت در همان هنگام که ابزارهایی را برای تداوم تمرکزگرایی و انحصارسازی اسلام در پادشاهی در اختیار می‌گذارد، سطوح بسیاری از میدانهای بازی را برای مخالفت ایجاد می‌کند. از صافی گذراندن و سد کردن منزلگاهها ممکن است برای بعضی از این موارد ضربه‌گیر باشد، اما نمی‌تواند برای همه موارد چنین باشد، بنابراین، چالش استفاده از اینترنت برای اسلام و مدرنیزاسیون هم زمان با تلاش برای محدود کردن آثار فرهنگی در سالهای متمادی در این کشور همچنان ادامه خواهد یافت. □

پاورقیها:

1. Thomas L. Friedman, *The Lexus and The Olive Tree: Understanding Globalization*, New York: Farrar Straus Giroux 1999, p. 8.
2. Ibid., pp. 7-9 and 12-13.
۳. باید توجه کرد که حتی در ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای غربی موضوع آزادی کامل اینترنت مسئله‌ای مورد بحث و مشاجره است؛ با تکیه بر ایده حفظ ارزشهای آمریکایی سانسورهای زیادی صورت می‌گیرد.
۴. به عنوان مثال، به تبلیغ انجام شده در واشنگتن پست، ۲۰ ژوئن ۱۹۹۴، نگاه کنید: "Saudi Arabia: Modern Vision and Hadditional Values."
5. Joshua Teitelbum, "Saudi Arabia," in the *Middle East Contemporary Survey (MECS)*, 1998, Boulder: Westview, 2001, pp. 523-524.
6. *Al-Yawm*, Dammam, August 23, 1998.
7. *Al-Jazira* (Riyadh), July 10, 1998.
8. *Al-Jazira*, January 22, 1997.
9. *Al-Jazira*, May 6, 1997.
10. Ibid.
11. CACSA Website (www.saundhouse.com), April 24, 1997.
این منزلگاه در حال حاضر حذف شده است.
12. USA News, May 15, 1997, For one of These ISU Studies on the Internet and pornography: Mash'al bin Abdallah al-Qudi, "al-Ibahiyya wal-Internet," at: www.isu.net.sa/Mas:3al-Pres.rtf.
13. *Al-Uroz*, February 24, 1998.
14. *Al-Jazira*, May 6, 1998.
15. Agnce France-Presse, February 1, 1999.
16. Teitelbun, *Holier Than Thou*, pp. 49-71, and Mamour Fandy, *Saudi Arabia and Politics of Distent*, New York: St, Martin's Press, 1992.
17. On the Bombing and the Arrest of Suspects, See Teitelbaun, *Holier Than Thou*, pp. 83-98.
۱۸. پادشاهی آل سعود هرگز از حمایت داخلی و یا جهانی مناسبی در مورد نوع اسلام عربستان سعودی و کنترل بر حرمین شریف برخوردار نشد؛ زیرا همواره سنی‌ها و شیعیان داخل و خارج عربستان با کنترل آنها مخالفت می‌کردند. برای سعودی‌ها که مکه را اشغال کرده بودند فقط از سال ۱۹۲۴ به بعد کنترل مکانهای مقدس اسلامی نه براساس زور بلکه براساس حق تلقی می‌شد.

19. www.alharamain.org.
20. *Al-Riyadh*, September 10, 1997.
21. USA News, May 25, 1998; AFP; March 30, 1998; USA News, January, 1999.
22. Teitelbanun, *Holier Than Thou*, pp. 25-47.
23. Nayif, *Al-Yowm*, June 1999.
24. www.islamicsupport.net/CoCG.

۲۵. ر.ک.:

www.websense.com

26. *Gulf Business*, December 1998; Human Rights Watch Report on the Internet in the Middle East and North Africa, June 1999, Section on Saudi Arabia.
27. *New York Times*, March 18, 1999.
28. www.isu.net.sa/survey.html.
29. *New York Times*, March 18, 1999.
30. Reuter, April 29, 2001; AFP, April 30, 2001.
31. *Arab News*, June 18, 2001.
32. AFP, April 13, 2001.
33. *Middle East Economic Digest*; (MEED), October 1, 1999.
34. Reuters, June 30, 1999.
35. *Arab News*, April 30, 2000; *Arab News*, July 17, 2000; www.isu.Sa./fagshtml.
36. *Arab News*, July 17, 2000.
37. The Mosaic Group, *The Global Diffusion of the Internet Project*, Chapter on Saudi Arabia, February 1999; *MEED*, October 1, 1999.
38. *Al-Riyad*, September 19, 1999.
39. AFP, October 7, 1999.
40. UPI, August 13, 2000.
41. [eit.ajeeb.com/Print This.asp?orticle-JD=2813](http://eit.ajeeb.com/PrintThis.asp?orticle-JD=2813).
42. www.itu.int/ti/industryoverview/at-glance/internet.pdf.
43. Joseph Braude, "Saudi Arabia: Internet Infrastructure Improves but penetration Remains Low," Pyramid Research Advisory Services, January 19, 2001.
44. Joseph Braude, "Iran: A Growing Internet Market Weathers a Temporal Storm," Pyramid Research Advisory Service, May 18, 2001.

45. *Arab News*, February 6, 2000; *Arab News*, April 5, 2000; *Arab News*, July 9, 2000; MEED, June 8, 2000.
46. Reuters, January 16, 2000.
47. *Al-sharq al-Awsat*, December 26, 2000.
48. www.isu.net.sa/future-presentation-finalpdf; www.itp.net/features/66416804315408htm.

